

این فصلنامه با مجوز وزارت علوم با رویکرد علمی - پژوهشی است.

بررسی تطبیقی یوتوپای تامس مور با شهر نیکان نظامی

کتایون فرشید*

مسعود سپهوندی**

فرانک فرشید**

چکیده

تشکیل جامعه آرمانی از دغدغه‌های فکری بشر است که از دیرباز اندیشه او را به خود مشغول کرده است. کتاب «یوتوپیا» تامس مور را می‌توان به عنوان شاهد مثالی بر این ادعا ذکر کرد. نویسنده در این کتاب، که از مشهورترین نمونه‌های آرمان‌شهر غربی به شمار می‌رود، کوشیده است تا با توصیف جزئیات به خلق جهان مطلوب خود بپردازد. از سوی دیگر نیز یکی از آرمان‌شهرهای شرقی (ایران) «شهر نیکان» است که نظامی در آن به توصیف جامعه آرمانی خود پرداخته است. در این مقاله نویسنده سعی کرده است تا با بررسی این دو جامعه آرمانی تفاوت نگرش اندیشه‌های شرق و غرب و همچنین وجوه شباهت و افتراق این دو مدینه را بیان کند.

کلیدواژه‌ها: نظامی، تامس مور، شهر نیکان، یوتوپیا، آرمان‌شهر.

*. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد.

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد.

*** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد.

مقدمه

از دیرباز بشر به فکر جامعه آرمانی بوده و برای یافتن آینده‌ای بهتر و سامان یافته‌تر، دوردست‌ها را نظاره کرده است. رویای مزبور در زندگانی انسان به گونه‌های مختلف تبلور یافته است که بارزترین نمونه آن را در اندیشه «مدینه فاضله» می‌یابیم. آرمان شهری زمینی که در آن از نابسامانی و دغدغه‌های جوامع موجود اثر و نشانی نباشد. بهشت موعود زمینی علاوه بر بهشت آسمانی، رویای همیشگی انسان بوده که در اوراق تاریخ، تعیینات گوناگونی یافته و هر یک از اندیشه‌وران بزرگ تاریخ، تصویری ویژه از آن بر صفحه ضمیر انسان‌ها نقش کرده‌اند. از جمله نظامی و تامس مور نیز به عنوان دو نظریه‌پرداز آرمان‌شهر در شرق و غرب به خلق جامعه مطلوب خود دست یازیده و کوشیده‌اند در «شهر نیکان» و «یوتوپیا» ارکان جهان مطلوب خود را تبیین کنند؛ اما قبل از پرداختن به این دو آرمان‌شهر لازم است با مفاهیمی چند آشنایی پیدا کنیم:

آرمان‌شهر: جامعه‌ای خیالی و آرمانی که در آن نظام کاملی برای سعادت نوع بشر حکمفرماست و از هرگونه شر و بدی از قبیل فقر و بدبختی عاری است و افرادش به کمال علمی و عملی رسیده و از هوی و هوس رسته‌اند (معین، ۱۳۸۵: ۶۶). آرمان‌شهر در حقیقت ترجمه واژه «اتوپیا» است. واژه «اتوپیا» ریشه در دو لغت یونانی، یعنی «انتوپوس» و «اونتوپوس» دارد که به ترتیب به معنی «جای خوب» و «هیچ جا» هستند (وایز، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

رضا داوری در کتاب «عصر اتوپی» درباره تعریف «اتوپیا» می‌گوید: «اتوپیا در لغت یونانی و به معنی لامکانی است. در لغت نامه‌ها کشور یا دولت خیالی و ایده آل معنی شده است؛ ولی به نظر می‌رسد مدینه‌ای زمینی و بشری صرف باشد و بر حسب تعریفی که از اتوپیا شده است می‌توان گفت که اتوپیا مدینه‌ای رویایی است که اهل آن فارغ از هر رنج و عذابی هستند و در نهایت آرامش و آسایش به سر می‌برند» (داوری، ۲۵۳۶: ۲۵).

گروهی نظیر فروید نیز برآنند که «اتوپیا نشانه انحطاط و کوششی برای فرار از ناکامی

و واقعیت است» (همان: ۳۳).

در مقدمه «یوتوپای» تامس مور نیز درباره تعریف «یوتوپیا» آمده است: «یوتوپیا واژه‌ای است یونانی که تامس مور آن را ساخته است، از ریشه topos-ou به معنای «هیچستان» (یا به زبان حکیم ایرانی، شهاب‌الدین سهروردی، «ناکجا آباد») که کنایه‌ای طنزآمیز از topos-eu «خوبستان» در آن است. این نام سرانجام از راه این کتاب جهانگیر شد و در سده‌های بعد سرسلسله آثار بسیاری در اروپا درباره جامعه آرمانی و ساخت و سازمان آن شد» (مور، ۱۳۶۱: ۱۶).

تاریخچه «اتوپیا» و مشهورترین نویسندگان آن

ظاهراً اندیشه «اتوپیا» در مغرب زمین متولد می‌شود و از آنجا رشد می‌کند و به فلسفه و ادبیات ملل راه می‌یابد. پس اکثر اتوپیاها در چهارچوب تمدن غربی تولید شده‌اند؛ گرچه سایر فرهنگ‌ها نیز اسطوره‌هایی درباره دوران طلایی و شکل‌هایی شبه اتوپایی داشته‌اند (وایز، ۱۳۸۵: ۱۴۵)؛ اما قدیم‌ترین و مشهورترین اتوپیا غربی «جمهور» افلاطون است. «جمهور» (حدود ۳۶۰-۳۷۰ ق.م.) اولین اثر بزرگ اتوپایی باقی مانده‌ای است که به طور مفصل به بررسی نهادهای یک نظام اجتماعی آرمانی می‌پردازد؛ اما قدیمی‌ترین شکل نظریه‌پردازی در فرهنگ یونانی نیست؛ زیرا ارسطو در سیاست متذکر می‌شود که فالپاس خالکدونی، اولین کسی بود که مدعی شد شهروندان یک دولت باید دارای ثروت‌های برابر باشند (همان: ۱۴۷). مهم‌ترین اتوپیا بعد از «جمهور» افلاطون، «مدینه خدای» سنت اگوستین است؛ اما بعد از رنسانس است که اتوپیا به معنی امروزی آن متولد می‌شود؛ در واقع دو سده‌ای که از پی سال ۱۴۰۰ میلادی در اروپا می‌آید؛ یعنی سده‌های پانزدهم و شانزدهم، ما شاهد زیور و شدن اروپای قرون وسطایی با دو جنبش نوزایش (رنسانس) و دین‌پیرایی (رفورماسیون) هستیم که مهم‌ترین وجه آن، زنده شدن اندیشه عقلی و انتقادی یونانی، امید بستن به امکانات و دست‌یافت‌های عقل بشر، دل‌کندن از بهشت آسمانی و

چشم دوختن به بهشت زمینی، زنده شدن اندیشه دولت آرمانی و بحث و تفکر درباره آن بود (همان: ۱۴۸). بنابراین بعد از رنسانس، اولین و مهم‌ترین چهره‌ای که شهری آرمانی را پی‌ریزی می‌کند تامس مور است. کتاب «یوتوپیا»ی او شامل دو کتاب است: کتاب اول، تحلیلی است خرده‌بین و دادخواستی پرشور بر ضد وضع اجتماعی و اقتصادی حاکم بر اروپا و به ویژه انگلستان؛ و کتاب دوم، روایتگر بهترین وضع اجتماعی در قالب شهر آبرکسا. از دیگر اتوپیا‌های مشهور مغرب زمین که می‌توان نام برد: «شهر آفتاب» اثر توماس کامپانلا و «آتلانٹیس نو» اثر فرانسیس بیکن که در سال ۱۶۲۷م منتشر شد؛ اما در قرن بیستم نوعی دیگر اتوپیا رواج می‌یابد که در واقع تمسخر و ریشخندی است به اتوپیا؛ «دنیا‌ی قشنگ نو» اثر آلدوس هاکسلی و «۱۹۸۴» اثر «جرج اورول» از مهم‌ترین نمونه‌های این نوع اتوپیا هستند. بیش از پنجاه اثر اتوپیایی مشهور در چند قرن اخیر نوشته شده است که پرداختن به آن‌ها ما را از اصل مطلب دور می‌کند. برای اطلاع از نام این آثار، می‌توان به کتاب «آیا باید از اتوپیا اعاده حیثیت کرد» اثر گودن اشاره کرد.

اتوپیا (آرمان‌شهر) در اسلام و ایران

اتوپیا در مشرق زمین در بین ملل اسلامی با عنوان «مدینه فاضله» و در ترجمه‌های چند دهه اخیر در ایران با عنوان «آرمان‌شهر» مورد مطالعه قرار گرفته است. زمینه‌های «مدینه فاضله» و مسأله «حکمت عملی»، پیش از این در دین مبین اسلام موجود بود. حتی پیش از اسلام نیز در ایران آرمان‌شهری که از سوی وخشور اندیشمند و فیلسوف و آموزگار بشریت (اشوزردشت) پی‌ریزی شده، قابل ذکر است (وحیدی، ۲۵۳۵: ۳)؛ اما اولین کسی که در ایران به صورت جدی ارکان یک مدینه فاضله را تبیین و تعیین کرد و کتاب خاصی را در این مورد نوشت، ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۵۹ ه.ق) بود. کتاب «آرای اهل مدینه فاضله» فارابی در واقع برگرفته از «جمهور» افلاطون است.

از جمله طراحان دیگر «مدینه فاضله» در فلسفه اسلامی ابن سینا و اخوان‌الصفا هستند

که در راه پی‌ریزی آرمان‌شهر اسلامی تلاش کرده‌اند. آرمان‌شهر آنان به نوعی اعتراض به خلافت خلفاست. شیخ شهاب‌الدین سهروردی نیز اندیشمندی است که نخستین بار واژه «ناکجاآباد» را در مورد «مدینه فاضله» به کار برد؛ اما «ناکجاآباد» سهروردی، بهشتی آسمانی است نه زمینی و با عنایت به این که اتوپایی که در اینجا مطرح است - همانگونه که در مبحث تعاریف یوتوپیا گفته شد - بهشتی است زمینی؛ و «ناکجاآباد» سهروردی بهشتی است، آسمانی. به ذکر همین اشاره مختصر در مورد «ناکجاآباد» سهروردی اکتفا می‌شود. یکی دیگر از بزرگان ایران اسلامی که در اندیشه «مدینه فاضله» بود و کتاب او بسیار مورد توجه آرمان‌شهرگرایان قرار گرفت، خواجه نصیرالدین طوسی است که کتاب «اخلاق ناصری» او «حکمت عملی» است که در آن به معرفی ویژگی‌های جامعه آرمانی پرداخته است. «شهر نیکان» نظامی نیز در عین ایجاز، مشهور و ارزشمند است. در واقع مدینه فاضله‌ای که نظامی در پی آن بوده در «شهر نیکان» (اسکندرنامه) تصویر شده است.

تامس مور و یوتوپیا

تامس مور، نویسنده پر آوازه کتاب «یوتوپیا»، شخصیت برجسته‌ای در تاریخ انگلستان و یکی از چهره‌های بزرگ دوران رنسانس انگلیس به شمار می‌رود. او قدیمی شهید و سیاستمداری برجسته و نویسنده‌ای پرشور است. اما آنچه نام او را در تاریخ ادب و اندیشه زنده نگه داشته همین کتاب «یوتوپیا» است که در آن جامعه‌ای آرمانی را با جامعه پر شر و شور روزگار خود می‌سنجد. هنگامی که مور در ۱۵۱۵ و ۱۵۱۶ «یوتوپیا» را نوشت، آرامش پیش از طوفان برقرار بود. نخستین مرحله نوزایش (رنسانس) سرآمده و جنبش دین‌پیرایی آغاز شده بود. مور در کتابش، به دقت نظام سیاسی، راه و روش زندگی اجتماعی، آداب خوراک و پوشاک و زناشویی، اقتصاد و جنگاوری و دیگر امورشان را شرح داده است. از نکات قابل توجه در مورد این کتاب این است که مور برای اولین بار واژه «یوتوپیا» را به معنای سیاسی آن مطرح کرد؛ وگرنه «یوتوپیا» در معنای فلسفی مربوط به عصر افلاطون

است و جزیره یوتوپیا بیش از آن که غایتی عملی باشد، مانند «جمهور» افلاطون، رویایی است تأمل‌انگیز و به گفته‌ای، پرورشگاهی است برای تخم‌های اندیشه و عقل که می‌باید برگزید و آزمود (مور، ۱۳۶۱: ۱۵).

وجوه اشتراکات یوتوپیا و شهر نیکان

فضایل در اکثر مدینه‌های فاضله (چه در شرق و چه در غرب) یکسان است و مشهورترین آن فضایل عبارتند از: حکمت، شجاعت، خویشنداری و عفت، سخاوت و عدالت (خواجه نصیر، ۱۳۶۹: ۱۱۵). ارسطو نیز مانند استادش معتقد است که فضیلت قدرتی است که می‌تواند ما را به سمت نیکویی‌های بسیار سوق دهد. اجزای فضیلت با نموده‌های آن عبارت‌اند از: عدالت، شجاعت، مروّت، بخشندگی، عظمت، چشم‌پوشی و حکمت (رک: عباس مدنی، فصلنامه ادبیات تطبیقی واحد جیرفت). بنابراین ما نیز در این مقاله برای دوری از اطالۀ کلام، اشتراکات «شهر نیکان» و «یوتوپیا» را تحت همین عناوین بررسی می‌کنیم.

حکمت

یکی از بزرگ‌ترین ادبا و دانشمندان ایرانی که در دوره اسلامی در باب آموزش و پرورش و مسائل اخلاقی و مذهبی سخن گفته، حکیم نظامی است؛ خصوصاً در «مخزن-الاسرار»، که گنجینه معارف عرفانی و اخلاقی است، بسیار به «حکمت عملی» توجه داشته است. وی در «شهر نیکان» نیز یک دوره «حکمت عملی» را گنجانیده است و اسکندر را به عنوان «حاکم حکیمی» معرفی کرده که باید اخلاق نیکوماخس ارسطویی و علم سیاست مشائیان را در رفتار و گفتار خویش تفسیر و توجیه کند.

در واقع حکمت، خصوصاً حکمت عملی، آنچنان برای نظامی اهمیت داشته که کوشیده اسکندر را در جایگاه یک حاکم حکیم و یک فرمانروای صلح‌جو به تصویر بکشد؛ اما هدف شاعر این بوده که نشان دهد تنها یک حکیم حاکم و فیلسوف می‌تواند به «شهر نیکان»

دست یابد. البته در این سخن که نظامی اولین فردی نیست که در این باب سخن گفته، هیچ جای شکی نیست؛ زیرا پیش از او افراد دیگری در باب «حکمت عملی» به بحث پرداخته‌اند و در واقع از زمان ارسطو به این موضوع توجه و عنایت شده است؛ از جمله در «جمهور» افلاطون و «مدینه فاضله» فارابی و «اخلاق ناصری» به حکمت بسیار توجه شده است؛ برای مثال خواجه نصیرالدین طوسی در «اخلاق ناصری»، که آن را در ۶۳۳ به رشته تحریر درآورده به مسأله حکمت و به ویژه «حکمت عملی» نظر داشته است. از این رو در مقدمه کتاب خود تأکید کرده که حکمت را به عنوان اصلی‌ترین فضل از اجناس فضایل (که عبارتند از عدالت، شجاعت، سخاوت، حکمت و عفت) در نظر داشته و آن را به دو نوع نظری و عملی تقسیم کرده است؛ یعنی همان علم و عمل (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۶۹: ۳۸). در «یوتوپیا» تامس مور نیز که بیشتر تحت تأثیر «جمهور» افلاطون قرار داشته؛ مانند «شهر نیکان» به حکمت توجه شده که در ادامه به بررسی شباهت‌های «شهر نیکان» و «یوتوپیا» از لحاظ حکمت می‌پردازیم.

۱) از وجوه اشتراک «یوتوپیا» و «شهر نیکان» در باب حکمت، احترام به سالمندان و افراد باتجربه است؛ چنانچه در «شهر نیکان»، ساکنان مدینه به پیران و سالخوردگان و بزرگان قوم احترام فراوان می‌گذارند و مناظره آن‌ها با اسکندر نیز به وسیله این گروه پیران و بزرگان صورت گرفته است؛ زمانی که اسکندر از احوال آن‌ها جويا می‌شود که چرا بر دکان‌ها و خانه‌ها و باغ‌های خود قفل و بند نمی‌زنند.

در «یوتوپیا» نیز تامس مور معتقد است که در سراسر جزیره، پیرترین فرد هر خانواده باید بر آن حکومت کند و جوان‌تران باید از سالمندان فرمان برند و این از حکمت اهالی یوتوپیاست (مور، ۱۳۶۱: ۳۸۴). در «جمهور» افلاطون نیز جوانان به پیران احترام می‌گذارند؛ تا جایی که درباره انتخاب زمامداران، افلاطون معتقد است که پیران باید فرمان دهند و جوانان باید اطاعت کنند (افلاطون، ۱۳۶۸: ۱۹۵).

۲) ساکنان جامعه آرمانی باید همواره روی به خدا داشته باشند و عمیق‌ترین شکر خود را

نسبت به مواهبی که به آن‌ها ارزانی داشته نثار کنند؛ از این رو نظامی نیز مهم‌ترین ویژگی ساکنان خود را سپاس‌گزاری در برابر نعمت‌های خدا دانسته و معتقد است که خردمندی مردم مدینه در این است که همه چیز را از خداوند بدانند و شکرگزار باشند.

خدا کرد خردان ما را بزرگ ستوران ما فارغ از شیر و گرگ
بکاریم دانه گه کشت و کار سپاریم کشته به پروردگار
به ما ز آنچه بر جای خود می‌رسد یکی دانه را هفتصد می‌رسد

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲۷)

«در یوتوپیا نیز نخستین حکم عقل، عشق و احترام پرشور به خداوند متعال است که همه هستی خود و هرگونه شادکامی را که بدان دست یافته‌اند، مدیون او هستند» (مور، ۱۳۶۱: ۹۳).

۳) اهالی «یوتوپیا» معتقدند که مهربانی کردن فقط منحصر به آدمیان نیست بلکه باید نسبت به همه موجودات زنده، احساس مهربانی و رأفت داشت؛ از این رو قمار و شکار را در شمار لذت‌های ابلهانه می‌دانند (همان: ۹۷). نظامی نیز معتقد است که انسانیت منحصر به مهربانی نسبت به آدمیان نیست و این مهربانی به همه آفریدگان جاننداری که می‌توانند از تأثر و مراقبت ما برخوردار شوند مربوط می‌شود.

دد و دام را نیست از ما گریز نه ما را بر آزار ایشان ستیز

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲۷)

۴) اهالی «یوتوپیا» از مسافرانی که از مکان‌های دیگر به کشور آن‌ها مسافرت می‌کنند با روی باز خوشامدگویی می‌کنند (مور، ۱۳۶۱: ۱۰۴). در «شهر نیکان» نیز نظامی می‌گوید که باید با مسافر غریب به خوبی رفتار کرد و رعایت عدل و مهربانی را با آن‌ها حفظ کرد. بنابراین هنگامی که اسکندر و همراهانش به «شهر نیکان» رسیدند، ساکنان آن شهر با روی باز از آن‌ها استقبال و پذیرایی کردند.

۵) اهالی «یوتوپیا» مانند مردم جهان مطلوب نظامی به کشورها و ملت‌های محتاج

کمک می‌کنند و اگر همسایگان آن‌ها مورد ظلم و ستم و تجاوز ستمکاران واقع شوند بر آن‌هاست که به کمک آن‌ها بشتابند (همان: ۱۱۳) که این موضوع نیز در «آرمان‌شهر» نظامی و «جمهور» افلاطون و «مدینه فاضله» فارابی به وضوح دیده می‌شود؛ مثلاً در «شهر نیکان» آمده است:

گر از ما کسی را رسد داوری کنی‌مش سوی مصلحت یاوری

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲۷)

۶) از وجوه مشترک دیگر «شهر نیکان» و «یوتوپیا» تأکید بر علم‌ورزی و دانش-اندوزی و هنرمندی است. اهمیت دانش‌آموزی در «یوتوپیا» نیز به قدری بالاست که مور، بخشی را به این مورد اختصاص داده است؛ البته آن‌ها بیشتر به علوم و ادب یونانیان علاقه‌مند بودند و بسیاری از آثار افلاطون و ارسطو را می‌خواندند و بیشتر به سمت کتب عقلی و پزشکی و... تمایل نشان می‌دادند؛ زیرا آن‌ها در پیگیری علوم عقلی خستگی-ناپذیر بودند و همواره دانش را بر ثروت برتری می‌دادند (مور، ۱۳۶۱: ۱۰۴).

اسکندر نیز معتقد بود که جامعه زمانی می‌تواند به سعادت برسد که فلاسفه و دانشمندان آن را اداره کنند. از این رو اسکندر می‌کوشید تا فلاسفه بزرگی چون ارسطو و سقراط و... را در کنار خود جمع کند و از اندیشه‌های والای آن‌ها بهره برد. حتی نظامی در «اقبال‌نامه» گفته که وی از ارسطو، تعلیم و تربیتی درخور یک فیلسوف یافته است و تعدادی از فیلسوفان یونان در موکب او که به فتح شرق می‌رفت همراه بودند (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۱۷۴).

۷) در میان ساکنان هر دو مدینه مالکیت خصوصی مفهومی ندارد؛ زیرا همه چیز در میان آن‌ها عادلانه توزیع می‌شود و نیز بی‌اعتباری زر و سیم در میان آن‌ها دلیل محکمی است برای نبودن مالکیت خصوصی (مور، ۱۳۶۱: ۶۰).

عفت

عفت یکی از اجناس فضایل بوده که در اغلب آرمان‌شهرها به آن پرداخته شده است.

خواجه نصیرالدین طوسی در «اخلاق ناصری» تعریف دقیقی از عفت را ارائه کرده است (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۱۱۱). گذشته از خواجه، اندیشمندان بزرگ دیگری چون افلاطون، فارابی، سعدی، تامس مور و... نیز در «مدینه فاضله» خود به عفت پرداخته‌اند. در اینجا می‌کشیم تا به اشتراکات نظامی و مور در باب عفت بپردازیم.

اگرچه در «شهر نیکان» مستقیماً از عفت و پاکدامنی زنان سخنی به میان نیامده ولی از آنجا که ساکنان این مدینه همگی اهل دین و فضل بودند و مردمانی پاک-سرشت و پرهیزگار؛ پس به عفت و پاکدامنی نیز اعتقاد داشتند و کسانی را که برخلاف آیین آن‌ها رفتار می‌کردند، مجازات کرده، از شهر می‌رانند.

کسی گیرد از خلق با ما قرار
که باشد چو ما پاک و پرهیزگار
چو از سیرت ما دگرگون شود
ز پرگار ما زود بیرون شود

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲۸)

در «یوتوپیا» نیز تامس مور عفت را یکی از ویژگی ساکنان مدینه می‌داند و به عفت و پاکدامنی برای مرد و زن قائل است و آن‌ها را به ازدواج دعوت می‌کند (مور، ۱۳۶۱: ۱۰۹).

شجاعت

در اغلب آرمان‌شهرها، شجاعت به عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های ساکنان اهل مدینه در نظر گرفته شده است و جایگاه آن در مدینه فاضله به قدری بالاست که بسیاری از متفکران و فلاسفه بخش وسیعی از کتاب خود را به آن اختصاص داده‌اند. از جمله افلاطون در کتاب چهارم از «جمهور» خود به بحث درباره شجاعت پرداخته و آن را از ویژگی‌های مردان جنگی یا معاونان زمامداران و سربازانی دانسته که حافظ مرز و بوم هستند. در «مدینه فاضله» فارابی و «اخلاق ناصری» نیز به مفهوم شجاعت توجه شده است. البته شجاعت فقط منحصر به زور بازو و قدرت و فعالیت بدنی نیست؛ شجاعت امری درونی است و نوعی مبارزه با نفس اماره. بنا بر تعریف این بزرگان «شجاعت نوعی غلبه بر نفس است» که همین

موضوع در «شهر نیکان» و «یوتوپیا» نیز دیده می‌شود.

ساکنان «مدینه فاضله» نظامی سخت‌ترین دشمن خود را نفس می‌دانستند و معتقد بودند که بالاترین درجه شجاعت رسیدن به مرتبه نفس مطمئنه است. از طرف دیگر نیز غلبه بر شهوت و حرص و کینه و دیگر صفات رذیله چون غیبت و دروغ و تجسس و... را از جمله عوامل شجاعت می‌دانستند و تبدیل صفات رذیله به حمیده و رسیدن به مرحله قناعت و رضا و تسلیم را نوعی شهامت. (نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲۷-۱۴۲۶). همانطور که در «یوتوپیا» نیز ساکنان مدینه معتقد بودند که پیروزی که با نیروی فهم به دست آید، بسیار باارزش‌تر از جنگ و نیروی بدنی است و اگر انسان شجاعت را فقط در نیروی مردانگی ببیند و از عقل و درایت خود استفاده نکند از درندگان هم کمتر است (مور، ۱۳۶۱: ۱۱۵).

وجه مشترک دیگر آن‌ها این است که اگر زمانی مجبور به جنگ شوند باید تلاش خود را به کار بگیرند و از جان خود دریغ نکنند (نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲۷). مور نیز معتقد است کسانی که میدان مبارزه را خالی می‌کنند ترسو هستند و حکم آن‌ها مرگ است و این همان صحبت ارسطو است که اعتقاد داشت مجازات دشمنان از سهل‌گیری بر آنان زیباتر است؛ چراکه مقابله به مثل عین عدالت است و هر عدلی زیبا است. فروتنی و به دست آوردن شرف، از چیزهای زیبا و از نموده‌های والای فضیلت هستند (رک: عباس مدنی، فصلنامه ادبیات تطبیقی واحد جیرفت).

سخاوت

یکی دیگر از ویژگی‌های ساکنان اهل مدینه فاضله سخاوت است. از این رو به تعریف دقیق سخاوت از دیدگاه خواجه می‌پردازیم: «سخا آن بود که انفاق اموال و دیگر مقتضیات بر او سهل و آسان بود تا چنان که باید و چندان که باید به مصب استحقاق می‌رساند» (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۱۱۵) و سخاوت آن است که «انسان مال خود را در راه خدا بذل کند نه برای طلب تمتع از شهوات، یا به جهت مرا و ریا، یا به طمع مزید جاه و

قربت پادشاه؛ زیرا این افعال مانند افعال تجار و اهل مباحث است». پس «سخی به حقیقت آن کس بود که بذل مال به غرضی دیگر جز آن که سخاوت لذت‌ها جمیل است مشوب نگرداند» (همان: ۱۲۵).

حال که با مفهوم سخاوت آشنا شدیم، باید بدانیم که در «شهر نیکان» و «یوتوپیا» نیز مانند «اخلاق ناصری»، سخاوت یکی از ارکان اصلی جامعه مطلوب به شمار می‌آید که در ادامه به وجوه مشترک آن‌ها در باب سخاوت می‌پردازیم:

الف) به عقیده ساکنان آرمان شهر نظامی، یک جامعه آرمانی همواره با صفت احسان هدایت و اداره می‌شود. در چنین جامعه‌ای به احوال دردمندان و شوربختان و پیران و نیازمندان توجه بسیاری مبذول می‌شود؛ چرا که در عالم «شهر نیکان» همه افراد انسانی با هم همدلی و همدردی دارند.

به غمخواری یکدیگر غم خوریم	به شادی همان یار یکدیگریم
چو عاجز بود یار یاری کنیم	چو سختی رسد بردباری کنیم
گر از ما کسی را زیانی رسد	وزان رخنه ما را نشانی رسد
برآریمش از کیسه خویش کام	به سرمایه خود کنیمش تمام

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲۶)

مردم «یوتوپیا» نیز سعادت جامعه را در گرو آن دانسته‌اند. «اهل یوتوپیا به بیماران احسان و نیکی می‌کنند و با دلسوزی و مهربانی از آن‌ها پرستاری می‌کنند. آنان با پیران مهربانی می‌کنند و جوانان به آنان احترام می‌گذارند» (مور، ۱۳۶۱: ۸۳).

ب) اهل «مدینه فاضله» نظامی به همه احسان می‌کنند و فرقی میان انسان خوب و بد قائل نیستند؛ چرا که احسان به نیکان سبب جذب خیر می‌شود و نیکی به بدان سبب دفع شر است.

شماریم خود را همه همسران نخندیم بر گریه دیگران

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲۶)

از طرف دیگر رفتار اهل «یوتوپیا» نیز نمایانگر این اصل است که آن‌ها نسبت به همه حتی دشمنان خود نیز نیکی می‌کنند (مور، ۱۳۶۱: ۸۶).

عدالت

عدالت در اغلب آرمان‌شهرها اهمیت داشت و آن را به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن از ارکان مدینه فاضله می‌دانستند؛ همچنین بزرگانی چون افلاطون و خواجه نصیر سعادت جامعه را در گرو عدالت می‌دانستند و اعتقاد داشتند که اگر این ویژگی در مدینه محقق نشود سایر ویژگی‌ها (شجاعت، عفت، حکمت و...) نیز محقق نخواهد شد. افلاطون معتقد بود که عدل، اساس نیکوکاری است؛ چه با دوست چه با دشمن؛ و بدی کردن، خواه با دوست و خواه با دیگران، کار انسان عادل نیست، بلکه کار شخص ظالم است (افلاطون، ۱۳۶۸: ۳۸). افلاطون عدالت را ویژگی طبقه حاکمه می‌دانست. خواجه نصیر نیز مانند افلاطون از میان اجناس فضایل، عدالت را بر همه رجحان داده بود و آن را اشرف اجناس می‌دانست و معتقد بود که عدالت ویژگی حاکم مدینه فاضله است. چیزی که فارابی و سعدی و تامس مور و دیگران نیز در آن اتفاق نظر داشتند.

وجوه افتراقات یوتوپیا و شهر نیکان

دین

شاید بتوان گفت که اولین و مهم‌ترین عامل در ایجاد دو نوع تفکر شرقی و غربی در مورد آرمان‌شهر و سپس در «شهر نیکان» و «یوتوپیا» مسأله دین است. نظامی مسلمانی معتقد و موحدی مخلص است که اعتقادش به وحدانیت خداوند به صفا و نورانیت آراسته است و وابستگی او به سیره‌های اسلامی در آثارش کاملاً منعکس است و همین دینداری او سبب می‌شود که مهم‌ترین ویژگی ساکنان آرمان‌شهر خود را دینداری و دین‌پروری بداند که این موضوع خود تفاوت دیگر «شهر نیکان» و «یوتوپیا» است که در مباحث بعدی به

آن خواهیم پرداخت؛ اما:

الف) تفاوت در نوع دین مردمان جهان مطلوب نظامی و مور سبب شده که ساکنان آرمان شهر نظامی همواره به نوعی تسلیم و رضا در برابر مشیت الهی دست یابند؛ چرا که آنان برخلاف مردمان «یوتوپیا» در برابر قضا و قدر و صورت کلی نظام هستی تسلیم بوده، نسبت به آن راضی بودند. شاید نوعی جبرگرایی بر این شهر آرمانی سایه افکنده بود؛ البته باید دانست که بحث رضا در «شهر نیکان» یک مقوله کاملاً عرفانی بود که در «یوتوپیا» می تانس مور به دلیل نبودن این وجهه در آن، ما همواره با نوعی اختیار در آن مواجه هستیم؛ زیرا مردمان «شهر نیکان» به خدا به عنوان فاعل مایشاء معتقد بودند و هر آنچه را که از سوی او بود سرنوشت محتوم خود می دانستند و در برابر آن سر تسلیم فرود می آوردند؛ در واقع آنان به مقام رضا، که بلندترین و والاترین مقام در عرفان اسلامی است رسیده بودند. دکتر زرین کوب در کتاب «پیر گنجه در جست و جوی ناکجا آباد، اذعان می دارد که نظامی حتی اسکندر را مقهور سرنوشت می داند و می گوید: «نشاید کشیدن سر از سرنوشت» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۹۸). ساکنان جهان مطلوب تانس مور نیز اگرچه در برابر عوامل طبیعی چون مرگ و بیماری و... راهی جز تسلیم ندارند، اما به دلیل این که صبغه دینی، به طور کامل، بر این مدینه سایه نیفکنده خدا را به عنوان فاعل مایشاء قبول ندارند؛ بلکه معتقد به اختیار خود نیز هستند و معتقدند که با کمک نیروی عقلانی و تلاش می توان سرنوشت خود را تغییر داد (مور، ۱۳۶۱: ۱۰۳).

ب) یکی دیگر از افتراقات آن ها تفاوت در نگرش به اولیاء الله و اوتاد عالم است؛ زیرا نظامی و اهل «شهر نیکان» معتقدند که جهان به دلیل وجود عارفان الهی و اولیاء الله بر روی زمین باقی مانده است.

بدیشان گرفتست عالم شکوه که اوتاد عالم شدند این گروه

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۴۲۸)

این در حالی است که ساکنان «یوتوپیا» اگرچه به کاهنان خود احترام می گذارند و مقام

آن‌ها را از همگان والا و برتر می‌دانند اما مانند ساکنان «شهر نیکان» معتقد نیستند که عالم به واسطه وجود آن‌ها برپاست؛ زیرا این عقیده فقط مخصوص عارفان دین اسلام و اندیشه‌های شرقی است.

ج) ساکنان آرمان شهر نظامی «همگی» بدون استثنا اهل توحید و خداپرستی هستند و فقط یک دین را به عنوان دین رسمی خود پذیرفته‌اند و همه از آن یک دین پیروی می‌کنند؛ ولی این در حالی است که ساکنان «مدینه فاضله» تامس مور در انتخاب دین خود آزاد هستند و هر کس هرچه می‌خواهد می‌پرستد.

عرفان

یکی دیگر از اندیشه‌هایی که بر «شهر نیکان» سایه افکنده و ما آن را در «یوتوپیا» مشاهده نمی‌کنیم مسأله عرفان و شهود قلبی و کشف الهی است که نظامی در پایان داستان «شهر نیکان» به آن بسیار توجه داشته و ابیات فراوانی را به عرفان اختصاص داده است و همواره نوعی رنگ و بوی عرفانی بر «شهر نیکان» و جامعه آرمانی او سایه افکنده است؛ زیرا نظامی ساکنان شهر نیکان را انسان‌های کامل و برجسته‌ای می‌داند که به این مقام والا دست یافته‌اند. از این رو این ویژگی از صفات انسان کامل در جامعه آرمانی او است که همگان نمی‌توانند به صفای قلب و کشف و شهود الهی برسند مگر کسانی که واقعاً «اهل حق» باشند. در حالی که ما در «یوتوپیا» رنگی از عشق الهی و مسائل عرفانی و عشق ازلی نمی‌بینیم.

حکمت و عدالت

همانطور که گفتیم نظامی در آثار خود یک دوره «حکمت عملی» گنجانیده است و آنچنان به «حکمت» توجه دارد که بیشترین و وسیع‌ترین بخش از جامعه آرمانی خود را به مسائل تربیتی و اخلاقی، که زیر مجموعه «حکمت عملی» در زندگی است، اختصاص داده

است. در حالی که مور مانند افلاطون مهم‌ترین رکن جامعه مطلوب خود را «عدالت» دانسته و معتقد است تا زمانی که «عدالت» در جامعه برقرار نباشد جهان مطلوب به وجود نمی‌آید. نظامی «حکمت» را مهم‌ترین ویژگی ساکنان مدینه خود دانسته و معتقد است تا زمانی که ساکنان آرمان‌شهر او از ویژگی «حکمت» عاری باشند جامعه آرمانی تحقق نخواهد یافت. پس نظامی مانند فارابی و خواجه نصیر رکن اصلی جهان مطلوب خود را «حکمت» دانسته و مور مانند افلاطون «عدالت» را تأمین‌کننده سعادت جامعه می‌داند و بوی عدالت در سراسر «یوتوپیا»ی او به مشام می‌رسد.

عقل و عشق

از دیگر وجوه افتراق این دو مدینه، نوع نگاه آن‌ها نسبت به مسأله عشق است؛ اما نه عشق زمینی بلکه عشقی که سبب رسیدن ما به کشف و شهود قلبی است. چیزی که مردم «یوتوپیا» از آن بی‌خبرند. ساکنان جهان مطلوب نظامی در عین حال که به عقل بسیار اهمیت می‌دهند، همواره نوعی نگاه عارفانه و عاشقانه به زندگی دارند. عشق به خالق هستی، عشق به تمام موجودات و... چنان در وجود آن‌ها جاری است که گاه عشق را بر عقل رجحان می‌دهند. از طرف دیگر در اغلب آرمان‌شهرهای ادبی جایگاه عقل نسبت به عشق کمتر است. این در حالی است که در اکثر آرمان‌شهرهای فلسفی و سیاسی از عشق الهی که سبب رسیدن انسان به خداوند می‌شود صحبتی به میان نیامده؛ مثلاً در «یوتوپیا»ی تامس مور ساکنان این مدینه از وجود چنین عشقی کاملاً بی‌خبر هستند و همه چیز را با عقل خود می‌سنجند (مور، ۱۳۶۱: ۹۳ و ۱۰۳).

محقق بودن مدینه فاضله

در اکثر آرمان‌شهرهای جهان با مدینه فاضله رؤیایی و تخیلی و غیرحقیقی مواجه هستیم؛ به عنوان مثال افلاطون، که خود از نخستین نظریه‌پردازان آرمان‌شهر است در

آخر کتاب «جمهور» ظاهراً دربارهٔ عملی بودن طرح مدینهٔ فاضله یا جمهوریت دچار تردید می‌شود و می‌گوید: «ممکن است اساساً چنین شهری هرگز وجود پیدا نکند». بنابراین افلاطون اشاره به نمونهٔ «آسمانی بودن» شهر مطلوب می‌کند (افلاطون، ۱۳۶۸: ۵۰۶). پس افلاطون خود اذعان می‌دارد که این شهری که او تصور کرده، خیالی است؛ ولی خیالی بودن آن دلیل بر عدم حقیقت آن نیست. «بر اساس نظریهٔ افلاطون، تمامی امور مادی مانند حیوانات و جمادات و نباتات و چه غیرمادی مانند شجاعت، عدالت و تمامی فضایل اخلاقی، صور و حقایقی دارند که نمونهٔ کامل این امور هستند و در عالم مثال قرار دارند» (بهرروز حسن‌نژاد، فصلنامه ادبیات تطبیقی واحد جیرفت). در مورد «یوتوپیا» نیز باید گفت که مور در تبیین آن از واژه‌هایی که معنای طعنه‌آمیز و منفی دارند، استفاده کرده و ریشهٔ نام‌های مکان و افراد به شوخی و شیطنت از زبان یونانی گرفته شده است. چنان که معنای خود کلمهٔ «یوتوپیا» یعنی «هیچ جا» و رود آنیدر، یعنی «بی‌آب» و شهر آماتورت، یعنی «خیالی» و حتی نام روایتگر داستان رافائل هیتلودی یعنی «یاوه‌سرا» است. بنابراین او از همان ابتدا به خیالی بودن جامعهٔ مطلوبی که به تصویر کشیده است آگاه بوده است. این در حالی است که نظامی در «شهر نیکان» در مقام حکیمی می‌کوشد تا به جامعه اندرز اخلاقی دهد و ابتدا خود با رفتارش به آن جهان مطلوب جامهٔ عمل بپوشاند. او به «حکمت عملی» در جامعه معتقد است و آرمان‌شهر خود را قابل تحقق دانسته است و به خوبی دریافته که اگر حکمت عملی را در زندگی فردی و اجتماعی به کار بندیم به جهان مطلوب دست خواهیم یافت. بنابراین او هیچ‌گاه در تحقق آرمان‌شهر خود دچار شک و تردید نمی‌شود.

نتیجه

با دقت در مطالبی که بیان شد و نیز با توجه به اصول و مبانی مشترک «یوتوپیا» و «شهر نیکان» و دیگر آرمان‌شهرها می‌توان این گونه ارزیابی کرد که ارکان اساسی اغلب آرمان‌شهرهای دنیا (شرق و غرب) بسیار به هم نزدیک است و در همهٔ آنها (عدالت،

حکمت، شجاعت، عفت و سخاوت) اساسی‌ترین ویژگی ساکنان مدینه است؛ زیرا اندیشهٔ آرمان‌شهر احتمالاً ابتدا از شرق به غرب رفته و سپس توسط افلاطون در «جمهور» تکامل یافته و از آنجا به فلسفه و ادبیات دیگر ملل راه یافته است؛ چه «حکمت یونان متأثر از اندیشه‌های شرق بوده و اگر نهال اندیشهٔ یونان از آب حکمت شرق سیراب نمی‌شد، هر آینه اولین مکاتب حکمی یونان با آن شکوفایی پرشکوهش هستی نمی‌یافت» (ورنر، ۱۳۷۳: ۸). از طرف دیگر تامس مور نیز بسیار به اندیشه‌های افلاطون در «یوتوپیا» نظر داشته و حتی نظریات او را به طور مستقیم در کتاب خود ذکر کرده است. نظامی نیز در تبیین «شهر نیکان» به منابع آرمان‌شهر شرقی از جمله آرای اهل مدینهٔ فاضلهٔ فارابی نظر داشته و اصول و مبانی آرمان‌شهر او بسیار به ارکان مدینهٔ فاضلهٔ فارابی و خواجه نصیر نزدیک است؛ به طوری که می‌توان گفت او نیز به طور غیرمستقیم تحت تأثیر اندیشه‌های افلاطون و منابع یونانی قرار گرفته است؛ زیرا فارابی در کتاب خود بسیار از اندیشه‌های افلاطون بهره برده است. از این رو هم تامس مور و هم نظامی در تبیین ارکان جهان مطلوب خود به «جمهور» افلاطون نظر داشته‌اند و به همین دلیل اشتراکات آن‌ها بسیار فراوان است. از جمله در هر دوی آن‌ها عدالت و حکمت مهم‌ترین ویژگی ساکنان و حاکم آرمان‌شهر است. پس اگر افتراقی هم دیده می‌شود در نتیجهٔ نوع حکومت و تربیت جامعه و فرهنگ روزگار آن‌هاست؛ وگرنه در اصل ویژگی‌های مدینه، با هم افتراق چندانی ندارند.

بنابراین می‌توان گفت اغلب آرمان‌شهرها از یک اصول کلی و منطقی پیروی می‌کنند؛ اما اتوپیا‌های غربی در پاره‌ای از نکات جزئی، مانند دین و نوع نگاه آن‌ها به انسان و خدا و... با آرمان‌شهرهای شرقی متفاوت هستند. در پایان ذکر این نکته خالی از فایده نیست که اغلب معنویت و الهی بودن، جان کلام مدینه‌های فاضلهٔ شرقی است؛ در حالی که مادیت و صرف زمینی و خاکی بودن جان کلام اتوپیا‌های غربی است.

کتابنامه

افلاطون. (۱۳۶۸). جمهور، ترجمه فواد روحانی، تهران: علمی و فرهنگی.

- داوری، رضا. (۲۵۳۶). عصر اتوپی، تهران حکمت.
- خواجه نصیرالدین طوسی. (۱۳۶۹). *اخلاق ناصری*، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران خوارزمی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). *پیر گنج در جستجوی ناکجاآباد*، تهران: سخن.
- معین، محمد. (۱۳۸۵). *فرهنگ معین*، تهران: اشجع و ندا.
- مور، تامس. (۱۳۶۱). *آرمان‌شهر (اتوپیا)*، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشاری، تهران: خوارزمی.
- نظامی گنجه‌ای. (۱۳۷۸). *اقبال‌نامه*، تصحیح و حواشی وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- وایز، فیلیپ پی. (۱۳۸۵). *فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها (مطالعاتی درباره گزیده‌ای از اندیشه‌های اساسی)*، ج اول، تهران: سعادت.
- وحیدی، حسین. (۲۵۳۵). *پژوهشی در آرمان پارسایی در ایران*، تهران: زندگی.
- ورنر، شارل. (۱۳۷۳). *حکمت یونان*، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران: علمی و فرهنگی.

مقالات

- فصلنامه علمی پژوهشی، ادبیات تطبیقی واحد جیرفت، «ادبیات زیباشناسانه نزد افلاطون و ابن عربی»، بهروز حسن‌نژاد، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۳۴-۱۱۷.
- فصلنامه علمی پژوهشی، ادبیات تطبیقی واحد جیرفت، «بررسی تطبیقی اندیشه‌های نقدی قدامه بن جعفر»، ارسطو و افلاطون، عباس مدنی، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۷۰-۱۴۵.